



تاثیر راهکارهای قرآنی و عرفانی در مسیر زدودن رذایل

استاد حوزه علمیه گفت: اخلاق عرفانی این راهکار را برای از بین بردن صفات رذیله به ما می‌دهد ...

استاد حوزه علمیه گفت: اخلاق عرفانی این راهکار را برای از بین بردن صفات رذیله به ما می‌دهد که ای انسان معرفت خودت را بالا ببر و انسان شناسی و معرفت شناسی خودت را قوی کن در این صورت تکبر در وجود تو باقی نخواهد ماند؛ هر موهبتی در عالم وجود دارد از آن خداست و هر توفیقی هست از خداست و هر حرکت و سکنتی هم از حول و قوه خداوند است پس تکبر چرا؟

وحید واحد جوانبه گزارش ایکننا، حجت الاسلام والمسلمین وحید واحدجوان؛ استاد حوزه علمیه، شامگاه ششم خردادماه در نشست علمی «اخلاق عرفانی در چالش این همانی با عرفان عملی» در مجمع عالی حکمت اسلامی با اشاره به تعریف اخلاق عرفانی، گفت: برخی اخلاق عرفانی به کار می‌برند ولی مرادشان عرفان عملی است ولی برخی تمایز بین این دو دانش قائل هستند؛ پژوهش‌های اخلاقی ما معمولاً چند دسته است؛ دسته اول اخلاق توصیفی تاریخی، نقلی است و اخلاق فرد و جوامع را توصیف می‌کنیم مانند اخلاق پیامبر(ص) و ائمه(ع) یا اخلاق فلان قوم و جامعه. دسته دیگر مرتبط با فلسفه اخلاق است و پیش فرض‌های اخلاقی و مباحث معرفت شناسی و معیارهای اخلاقی و ... در زمره این دانش است؛ دسته سوم دانش اخلاق و ساماندهی فضایل و رذایل و بررسی اعمال خوب و بد از نظر اخلاقی است که اخلاق کاربردی در این دسته قرار دارد.

واحدجوان با بیان اینکه اساتید اخلاق در کتب اخلاقی چند رویکرد دارند، اظهار کرد: یکی رویکرد اخلاق نقلی است یعنی محدثین با آیه و روایت نوشته اند؛ شبیه بخشی از کتاب کافی و بحار و برخی کتب که نقل روایت ویژه اخلاقیات است؛ رویکرد دیگر اخلاق فلسفی و عقلی است که فلاسفه نوشته اند مانند اثر ابومسکویه، دسته دیگر اخلاق عرفانی است که صوفیان و عارفان نوشته اند و دسته دیگر رویکرد تلفیقی است و بین نقل و عقل و عرفان و فلسفه جمع می‌کند مثلاً کتاب احیاءالعلوم غزالی یا جامع السعادات و محجه البیضاء فیض.

استاد حوزه علمیه با اشاره به معیار تمایز بین این اخلاق‌ها، گفت: برخی معتقدند اگر اخلاق را فیلسوف بنویسد اخلاق فلسفی است و اگر صوفی و عارف بنویسد اخلاق عرفانی و اگر محدث بنویسد اخلاق نقلی و اگر مجموعه‌ای از این‌ها باشد تلفیقی خواهد شد؛ یا روش هم همینطور یعنی اگر از روش اخلاق عرفانی استفاده کند اخلاق، عرفانی خواهد شد ولی ما باید بررسی کنیم آیا واقعاً باید اینگونه اخلاق عرفانی را معنا و تعریف کنیم و اگر اخلاق عرفانی همان عرفان عملی است چه دلیلی دارد که از واژه اخلاق عرفانی استفاده کنیم؟

وی افزود: بنده مدعی هستم که نه نویسنده و نه روش هیچکدام اخلاق را عرفانی نمی‌کند و ملاک تفاوت چیز دیگری است؛ علامه طباطبایی بدایه و نهایه را می‌نویسد؛ این کتاب محتوای حکمت متعالیه را دارد ولی روش آن روش فلسفه مشاء و کاملاً عقلی است و یک روایت و آیه در بدایه و نهایه وجود ندارد یا کشف و شهود هم دیده نمی‌شود. بنابراین روش موضوعیت در تفاوت رویکردها ندارد.

واحدجوان اضافه کرد: مثال دیگر تمهیدالقواعد التوحیدیه است که کتاب عرفان نظری است ولی باز روش آن روش مشاء است یعنی با روش فلسفه کتاب عرفان نظری نوشته است؛ گاهی انسان با روایات، مبانی مارکسیستی را توضیح می‌دهد؛ آیا خروجی این نوع تفسیر به رای، اسلامی است؟

نویسنده و روش در تعریف اخلاق موضوعیت ندارد
این پژوهشگر بیان کرد: همینطور که روش موضوعیت ندارد نویسنده هم دخیل نیست؛ ممکن است روزی اخلاق ناصری بنویسد و روزی اوصاف الاشراف که نویسنده یکی است. امام(ره) با حیثیت فقهاتی، تحریرالوسیله را می‌نویسد و با رویکرد عرفانی، مصباح الهدایه و سرالصلاح را می‌نویسند و در کنار این، کتاب فلسفه مبتنی بر حکمت متعالیه هم دارد پس صرف نویسنده نمی‌تواند معیار تمایز انواع اخلاق باشد لذا بهترین راه برای تفکیک رویکردها، مبانی و اغراض است.

وی افزود: یعنی ما علم الاخلاق کار می‌کنیم ولی مبنای ما و هدف ما کانتی است لذا اخلاق کانت شکل خواهد گرفت زیرا ما بر غایت‌گرایی او تحقیق خود را استوار می‌کنیم. اگر همین مبانی، سینوی باشد اخلاق فلسفی سینوی شکل خواهد گرفت و اگر مبانی صدرا باشد اخلاق فلسفی با رویکرد حکمت متعالیه خواهد شد.

استاد حوزه علمیه با بیان اینکه حکمت نظری پایه حکمت عملی است، تصریح کرد: بر این اساس تقسیم اخلاق به نقلی، عقلی و عرفانی و ... منحصر به این موارد نیست و حتی می توانیم از اخلاق با فهم عامیانه و کوچه بازاری هم سخن بگوییم؛ البته می توان به صورت عام از اخلاق عرفانی در برابر غیرعرفانی سخن بگوییم و بگوییم که اخلاق عرفانی، اخلاقی است که اخلاق را با مبنای اهل معرفت بررسی می کند چنانچه کسی با مبنای شیخ اکبر (محمی الدین عربی) این کار را می کند. اخلاق نقلی اگر صرفاً نقل روایات باشد قابل پذیرش است و کتبی در این زمینه داریم ولی اگر کسی تصور کند اخلاق نقلی، دینی است ولی اخلاق عرفانی، دینی نیست گمان باطلی است زیرا کسی که علم الاخلاق را از روایات بیان می کند کار او دینی نیست؟

واحدجوان با بیان اینکه اخلاق عرفانی از حیطه اخلاق بیرون نمی رود، افزود: اخلاق عرفانی خودش دو بخش دارد؛ اخلاق عارفان و علم اخلاق عرفانی؛ گاهی ما سالک و عارفی داریم که در مراتب سلوک است و ما از آن گزارش و توصیف می کنیم که این غیر از علم اخلاق عرفانی است ولی گاهی سخن از علم اخلاق است که موضوع و مسائل و غایت و ... دارد.

استاد حوزه علمیه به ذکر مثالی پرداخت و افزود: مثلاً زهد عرفانی و زهد غیرعرفانی که ابن سینا به آن می پردازد؛ زهد غیرعرفانی آن است که انسان از دنیا برای رسیدن به مواهب آخرت دست بکشد ولی زهد عرفانی، جهان شناسی، انسان شناسی و معاد و غایت آن فرق دارد لذا زهد عرفانی اعراض از ماسوی الله است؛ هر دو عالم را به دشمن ده که ما را دوست بس.

تعریف پذیری علم اخلاق

واحدجوان افزود: بنابراین علم اخلاق عرفانی را می توان تعریف کرد و لزوماً اینطور نیست که آن را به فلسفه و حکمت عملی و نظری منحصر کنیم بلکه علم اخلاق رویکرد عرفانی دارد و در روش می توان از نقل استفاده کرد؛ وقتی ما روایت را با مبنای عرفانی می فهمیم و توضیح می دهیم اخلاق عرفانی است و اگر روایت را با مبنای فلسفه مشاء بفهمیم فلسفی خواهد شد ولو اینکه روایت ذکر شود.

استاد حوزه علمیه با اشاره به یکسری راهکار در تحقق اخلاق تربیتی مانند از بین بردن حسادت و بخل و ... بیان کرد: این راهکارها بسته به مبنای دارد یعنی مبنای عرفانی را از عرفا می گیریم به تعبیر دیگر اگر معرفت انسان عمیق شود در این صورت کسی که محسود قرار می گیرد جلوه الهی تلقی خواهد شد و او یکسری مزایایی دارد که موجب حسادت توست و تو هم یکسری امتیازاتی داری که ممکن است حسادت را در دیگران ایجاد کند ولی همه این ها جلوات الهی است و انسان عمیق عارف از جلوات الهی لذت می برد. با این مبنا حسادت و تکبر از ریشه خشک می شود.

راهکار قرآن و اخلاق عرفانی برای زدودن رذایل

وی تأکید کرد: اخلاق عرفانی این راهکار را برای از بین بردن صفات رذیله به ما می دهد که ای انسان معرفت خود را بالا ببر و انسان شناسی و معرفت شناسی خود را قوی کن در این صورت تکبر در وجود تو باقی نخواهد ماند؛ هر موهبتی در عالم وجود دارد از آن خداست و هر توفیقی هست از خداست و هر حرکت و سکنتی هم از حول و قوه خداوند است پس تکبر چرا؟ مگر زیبایی از توست که موجب تکبر تو شده است؟ اگر جلوه ای در وجود انسان است آیت الهی است نه چیزی که انسان مالک آن باشد. اگر عبادتی داریم مگر توفیق آن غیر از خداست؟

وی با بیان اینکه اخلاق عرفانی انصافاً در موارد بسیاری خوب جواب داده است به خصوص در ریشه یابی و توصیف فضایل و رذایل، اظهار کرد: نکته دیگر در اخلاق عرفانی آن است که باید به اخلاق، سالکانه نگاه کنیم، کاری که قرآن و روایات انجام می دهند لذا یک فرد کاملاً بی سواد و یک استاد تمام و با سواد می تواند از قرآن و روایت استفاده کند و حضرات معصومین (ع) هم استفاده می کنند و می شود اخلاق عرفانی را اینطور هم نوشت.

وی افزود: علامه طباطبایی فرموده است برای درمان رذایل و فضایل چند مسلک وجود دارد؛ یکی اینکه فواید دنیوی فضایل و آسیب رذایل را بازگو کنیم مانند اینکه حسود نیا سوده و به خودش و اطرافیانش ضرر می زند؛ این اخلاق فلاسفه است و مسلک دیگر، مسلک انبیاء است که فواید و اغراض اخروی را مطرح کرده اند ولی مسلک سوم فقط مختص قرآن است و آن حب به حق است یعنی وقتی حب به حق آمد فضایل کنار هم چیده شده و رذایل هم دور می شوند.